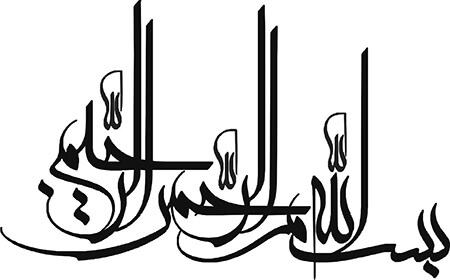
****

# + جناب آقای مرادی ببخشید سلام بفرمایید

بسم الله الرحمن الرحیم اولا که خداقوت می گویم خدمت بزرگواران و قطعا موضوعی که به آن پرداخته میشود موضوع خیلی مهمی هست و من بعضی مواقع به دوستانی که می آمدند این مجوز مربوط به طرح مالی جمعی را بگیرند به آنها می گفتم ببینید این یک مجوز طرح مالی جمعی نیست صرفا یک مجوز تقریبا شبه بانک مانندی هست یعنی اینقدر اهمیت دارد این موضوع در کنار این ما باید به این توجه کنیم که نهاد ناظر جایگاه خودش را از اون چیزی که هست فراتر نکند یعنی بعد نظارتیش تبدیل به بعد اجرایی نشود خیلی خطرناک هست یک مواردی هم پیش می آید، بله آن کسانی که متقاضی هستند به نظر خودشون خیلی خوب می توانند طرح ها را بیاورند، جمع بندی کنند، به نتیجه برسانند و بعد از به نتیجه رساندن هم متقاضی طرح هایی می شوند که بتوانند مبالغ بالاتری را تا حد بزرگتر و کلان تری بتوانند تامین کنند و تخصیص بدهند. خب چندتا مورد هست ببینید اولا اینکه آیا اینها تبدیل به نهاد مالی بشوند یا نشوند خب می خواهیم ببینیم مثلا ما دنبال چی هستیم ما دنیال این هستیم که این صنعت رشد کند برود جلو؟ (بله). در آینده اگر اینها تبدیل به نهاد مالی بشوند چه چالشی برای نهاد مالی موجود ایجاد می کنند نکته نخست این است که فعالیت نهاد های مالی موجود ما اصلا شاید ارتباطی به آن صورت مشاکله ای که طرح مالی جمعی اتفاق می افتد ندارند یعنی ما اگه بخواهیم بگوییم اینها را محدود کنیم که آقا شما صرفا به شرکت هایی که مثلا مجوز مشاوره سرمایه گذاری دارند فقط بیایید به اینها مجوز طرح تامین مالی جمعی را بدهید چه اتفاقی می افتد، اتفاقی که می افتد این است که ما مجوز را به کسانی می دهیم که ذاتا اصلا با این صنعت همخوانی ندارند و سخت هست تو این قالب قرار بگیرند اتفاق و موضوع بعدی این می شود که آن کسانی هم که می خواهند مجوز مربوطه را دریافت کنند و به ادعای خودشان یک سری توان مندی هایی دارند تو این حوزه از نظر اقداماتی که داشتند، تجاربی که داشتند، تجارب مفید و موثری بوده آن تجارب موثر را علارقم اینکه آن تجارب موثر را دارند این بار می آیند جهت دریافت مجوز مربوطه به گیر برخورد می کنند چون اینکه ما بخواهیم اینها را نهاد مالی انجام بدهیم در آینده تکالیف سازمان را به عنوان نهاد ناظرافزایش میدهد، تکالیف سازمان را افزایش میدهد از یک طرف دیگر این کسانی هم که الان توی این به قول این زیست بوم تامین مالی جمعی قرار دارند چون نمی توانند شرایط مربوط به نهاد مالی را احراز کنند عملا سوق داده می شوند به فعالیت هایی که فعالیت های بدون مجوز، فعالیت ها به گونه ای که طرف مجوزش را دریافت نکرده از یک طرف دیگر چون احساس می کند یک سری توان مندی هایی دارد می رود به قولی به صورت زیر زمینی اقدام به تامین مال میکند در ارتباط با اینکه اینها ضمانت داشته باشد برای هر کدام از طرح ها یا نداشته باشد ما یک زمانی تو ابتدای امر طرح تامین مالی جمعی بودیم الان دیگر از آن فاصله گرفته ایم چندین سال هست که مجوزش داده شده، دارد کار صورت می گیرد نه لزوما این نیست که همش بگوییم آقا همه ی اینها ضمانت داشته باشد هیچ کدام ضمانت نداشته باشد در مقابل یک سری باید برای شان رل تعریف بشود مقرره تعریف بشود که آقا اگر شما می خواهید مثلا فلان کار را ضمانت نمی خواهید بدهید این حالت این باشد که درجه ی ریسکش را مشخص کنند بگویند آقا این ضمانت ندارد تاکید بشود توی طرح. حالا نه الزاما حالا خب روش هایی که اعلام می کنند یا آن خود نهاد مالی می گوید من نمی دانم جایگاه خودم کجاست واقعا آن طوری نیست که توی دستورالعمل هم بگوییم طرف این نمی داند جایگاهش کجاست و بخواهیم ماها بیاییم تعیین تکلیف کنیم بلکه اگر نهاد مالی که دارد کار می کند خودش هم به مسئله آگاه باشد می آید با هم دیگر چارچوب نظارتی شان را قرار می دهند این می شود که خب نهاد ناظر، نهاد مالی می گوید که خب وقتی که شما طرح را دارید می آورین من این را برسی می کنم برسی من از چه نظر هست؟ از این منظر این هست که آقا این اطلاعات و مستندات که دارد ارائه میشود با این ادعایی که هست هم خوانی دارد یا نه نهاد مالی قرار نیست که تایید کند بله این می شود یا نه نهاد مالی می خواهد بیاید یک راستی آزمایی کند که آقا این اطلاعاتی که دارد می دهد اینکه میگ.ید آقا این مثلا از بابت این طرح این مقررات وجود دارد باید فلان مجوز گرفته بشود تا طرح اجرا شود اینقدر منابع مالی وجود دارد از نظر خود طرح قسمت مالی طرح توجیحی امر که این اتفاق باید بیفتد ببیند که یک چیزی که واقعا هم خوانی دارد یا نه از این منظر می آید نگاه میکند و اگر ما می بینیم که بعضی از موارد می گوید که آقا ما نمی دانیم جایگاه مان کجاست بخاطر این هست که ما بعضی مواقع ممکن است در دام نهاد مالی، نهادهای مالی اجاره ای افتاده باشیم به این مضموم آن که نهاد مالی مربوطه صرفا به خاطر اینکه کارمزدی بتواند دریافت کند و بگوید که من هم در این حوزه هستم می گوید که آقا بیایید بپذیرید اصلا من هر چی طرحم را آوردید من هم از این طرف اوکی اش را می دهم که شما خودتان حواستان باشد در صورتی که این طوری نیست شما خودتان حواستان باشد بله ما باید خودشان تنظیم می کردند یعنی بقیه را انجام بدهند اما آن صحه گذاری را چه کسی انجام می دهد؟ نهاد مالی انجام می دهد که آقا این وضعیت ریسکش به این نحو است، این تضمین دارد یا ندارد در ارتباط یا بازار ثانویه ایجاد کردن برای طرح یک چاقوی، به قولی می گویند یک امر دو لبه ای هست که نمی شود صد درصد گفت هم خوب هست هم بگویی بد است. اولا اینکه اینها انتظاری که وجود دارد از طرح مالی جمعی ما نمی توانیم بگوییم که تامین مالی جمعی یک چیز بلند مدتی باشد خیلی بلند مدت باشد، دو ساله باشد، سه ساله باشد، این یک مدت مشخصی دارد باید معلوم باشد پروژه محدود باشد چون هر ابزاری کارکرد خودش را دارد ابزار ها نباید باعث این بشوند که مثلا قانون گذاری به نحوی صورت بگیرد که موجب آرمیتراژ مقرراتی بشود مثال عرض می کنم مثلا بیاید به جای اینکه طرف برود اوراق اجاره منتشر کند بیاید از طریق تامین مالی منابع آن را بگیرد این خب اوراق اجاره من بخواهم فلان کنم باید بروم از فلان سازمان فلان مدرک را بگیرم فلان مستند را پر کنم همینجا یکی از طرح ها را می گذارم اوراق اجاره مشابه با اوراق جاری یعنی طرح ها هر کدام باید جایگاه خودشان باشند نیاد جایگاه مثلا صندوق پروژه را بخواهد بگیرد که این یک چیز عظیمی هست به اندازه خودش آن طرح مالی ای که هست می آیند از یک امری را شروع می کنیم و به پایان می رسانیم و از بابت بازار ثانویه اینکه بازار ثانویه اش از طریق مشابه با اگر بخواهد شکل بگیرد.

# + یعنی عملا شما مخالف بازار ثانویه هستید می گویید این صنعت نباید بازار ثانویه داشته باشد فرق آن با بقیه؟

ببینید بازار ثانویه جایی مناسب هست که شما این انتظار را دارید که بلند مدت می خواهید حضور دارید و ورقه ای باشد در صورتی که کسانی که اولین بار این را می پذیرند معمولا انتظار داریم که از سد رسیدگی پذیری بالاتری برخوردار باشند حالا یک عده ممکن است بگویند خب اگه این طوری باشد که این رونق پیدا نمی کند (نه) همان اندازه که می گوییم که آقا ریسکش بالاتر هست انتظار عایدی اش هم بالاتر هست دیگر انتظار بود که بالاتر باشه بیایید این را شما اولا بازار ثانویه بخواهید برایش ایجاد کنید مواجه می شوید با اینکه چون اطلاعات اولیه آن سرمایه گذارها تو سپرده گذاری وجود ندارد اطلاعات اولیه شان، اطلاعات اولین سرمایه گذارانی که آمده اند توی هر طرح تو این وجود ندارد اینها سجام ممکن است سجامی نشده باشند یعنی خود سرمایه گذارها به درد سر می افتند بعد هزینه ی فایده اش برای خود مجموعه ی بازار سرمایه تا بخواهند این را اجرایی کنند زمان بر است مگر یک حالتی که شما بیایید بگویید که مثلا من همه ی سکوه ها اجازه ی بازار ثانویه داشتند نمی دهم اجازه می دهم اینها خودشان درون خواشون ایجاد کنند که این هم از نظر مقرراتی و قانونی یک مقدار مشکل دارد مشکلش کجاست؟ مشکلش هم آنجاست اینکه تو بند 7 ماده ای که قانون بازار اوراق بهادار وقتی که شرکت سپرده گذاری مطرح می شود این شرکت به عنوان ثبت کننده ی اوراق شناخته شده.

# + بله این اسلاید را می شود بیشتر توضیح بفرمایید فرمودید اگر سکوها بخواهند خودشان بازار ثانویه داشته باشند منع قانونی وجود دارد اولین باره از حضرت عالی می شنویم اگر بیشتر توضیح بدید، ممنون.

ببینید که ما اگر بیاییم به این مراجعه کنیم به این بحث که مربوط به بند 7 ماده ای که قانون بازار اوراق بهادار یا شرکت سپرده گذاری که معرفی می کند می گوید که چی؟ که نهادی هست که به منظور ثبت و موارد مربوط به ثبت و انتقال و تسویه وجوه اوراق بهادار را بر عهده دارد پس این جا برایش شانیتی تعیین شده که این شانیت به بقیه داده نشده است ضمن اینکه ما باید توجه کنیم در ارتباط با بازار ثانویه ایجاد بازار ثانویه ما اولا می گوییم که آقا به این منزله میشود که شما آمده اید یک چارچوبی را تعیین کرده اید همه ی این موارد لحاظ شده است بعد این عرضه شده بعد از عرضه هم بحث مربوط به انتقال مالکیت صورت گرفته است آن کسی که اول می آید ما همواره توی جاهای دیگر این مورد را داریم می گوییم که اوراقی که ثبت شده اوراق معاف هستند همواره بحثی است که ما مفصل به خاطر اینکه ما همواره آن زیست بوم مربوط به آن صنعت را فعال نگه داریم و نبندیمش بعضی مواقع می آییم می گویند که خب آقا شما اصلا چه کار دارید این قدر سخت می گیرید این قدر می گویید فلان مقرره باید رعایت شود ما یک بستری را فراهم کرده ایم می خواهیم پول را از آن کسانی که می شناسیم و آن ها هم به ما اعتماد دارند پول را از آن ها جمع کنیم فلان کار را انجام بدهیم تمامش کنیم مثلا ما یک پروژه ساختمانی را بسازیم به نتیجه برسانیم و ببندیمش شما دیگر چه کار دارید که می آیید می گویید حتما باید صورت مالی بدهد فلان بدهد اصلا شاید این توی این اندازه ای نیست که بخواهد بیایید در بورس وارد شود بله آن موقع می گوییم خب اوکی به شما دارد داده می شود اما این تامین مالی که به واسطه اعتماد این افراد به آن شرکت به آن شخص صورت گرفته است نمی توانیم این را همان زحمتی که طرف کشیده به آن درک از آن درد رسیده است را سریع بگویید که آقا بخواهد انتقال دهد نفر جدید شاید این برداشت را نداشته باشد و صرفا به خاطر اینکه بگویید این اوراقی که سازمان یا مثلا فرابورس تایید داده است که بله این اوراق جز اوراق قابل معامله هست بیاید معامله شود و قیمت های آن چنانی هم بخورد خب وقتی که شما بگویید هر ابزاری سر جای خودش هست شما بگویید خب آقا اگر واقعا تا این حد این برگه اوکی بوده است فلان بوده بخواهد بلند مدت حضور داشته باشد بیاید تبدیل به شرکتی که شده است بیاید شرکتش بزرگ شود توی یکی از مزایده های فرابورس درج بشود بعد بیاید بحث پذیرشش را بگیرد یک نکته ای هم هست که بعضی از مواقع دوستانی که تو قسمت تامین مالی جمعی هستند دچار یک نوع افکار خیلی اینکه آقا حالا ما همه چیز را اوکی کرده ایم چرا اجازه داده نمی شود به ما، بخواهیم فلان کار را اگر به ما اجازه داده بشود فلان کار را می کنیم این کار را می کنیم آن کار را می کنیم دچار این افکار هم هستند به نظرشان می آید آقا این ابزار هست این می تواند جای همه چیز را بگیرد این می تواند فلان جواب را بدهد. نه هر ابزاری سر جای خودش، قرار نیست که یک ابزار معجزه ای بخواهد بکند این ابزار آقا سرجای خودش هست می خواهید خیلی رشد کرده است این شرکت خیلی کارش را درست دارد انجام می دهد فلان می شود بله بیاید قالب محکم تری بگیرد. اعتماد هم تا یک حدی قابل قبول هست و می شود پذیرفت شما نمی توانید بگویید من اعتماد دارم آقا یک طرح پنج ساله اجرا بشود چون پنج ساله هست و مدت زمانش هم خیلی طولانی هست بنابراین ما بیاییم بگوییم بازار ثانویه هم برای این ایجاد کنید برای اینکه بازار ثانویه ایجاد کرده ایم یک عده بخرند، بفروشند، فلان کنند تا پنج سال تمام شود برود چه تضمینی هست بعد از پنج سال این طرح به نتیجه برسد؟ مخصوصا شما بحث های مربوط به تصمیم گیری هایی که می بینید، بحث های مربوط به سایر مولفه های اثر گذار بر فعالیت هایی که و کسب و کارهایی که می توانید ببینید خب طرف نمی تواند بلند مدت اگر می خواهد شکل بگیرد بلند مدت ساختار خودش را دارد پس به نظر من چیزی که می گویم آقا در طرح تامین مالی جمعی یک طرح تامین مالی خردی هست برای یک مدت معلوم حالا حداکثر مثلا یک ساله که این طور تکلیف مشخص بشود که بعضا حتی بحث بازدهی کوتاه مدتی هم هست حالا آن که ما می گوییم حداکثر یک ساله که طرف بیاید یک بازار حداکثر یک ساله که شما بخواهید بیایید برای آن بازار ثانویه هم ایجاد کنید صرفا تفکرات یک عده ای هست که می گویند که بحث اینکه ما طرح تامین مالی جمعی سکو را راه انداخته ایم حالا اینقدر ما قیمت می خوریم اگر بیاییم ارز ثانویه را هم بیایند به ما اجاز دهند که ما بتوانیم به بازار ثانوایه ورود پیدا کنیم این واحدهای سرمایه گذاری را بتوانیم بفروشیم یکهو قیمت مثلا شرکت ما یا سکویی که ما داریم از (آ) به (ب) تغییر پیدا می کند اینها تفکرات آنهاست ما که نباید بر اساس تفکراتی که آنها مد نظرشان هست قدم بر داریم ما چیزی که فکر می کنیم درست هست و نگران این قضیه هم هستیم که آن اعتبار بزرگ ترین سرمایه ی هم نهاد ناظره هم بازار سرمایه ما نمی توانیم روی این ریسک کنیم و بپذیریم آقا هر ابزاری ویژگی خاص خودش، هدف خودش را دارد بنابراین یک زمانی هست که شما می گویید مثلا ما که ابزار جایگزین نداریم بخواهیم اجاره منتشر کنیم اما ابزار ندارند اگر احساس میشود که ابزار اجاره که در حال حاضر دارید یک مقداری لختی وجود دارد حالا من نمی گویم که واقعا لختی وجود دارد اگر این برداشت وجود دارد کار کارشناسی بشود ممکن هم هست کار کارشناسی بشود کار کارشناسی بگوید نه آقا هیچ لختی وجود ندارد این حداقل مدارک و مستنداتی که باید گرفته بشود و نمی توانیم اصلا ... .

# +آقای دکتر ببینید این طرف هم خب استعداد چیه می گویند که شما که، اگر شما یک بازار ثانویه داشته باشید ولا خب احتمالا یک قشری از سرمایه گذارانی که نمی توانند بیایند اینجا و تا به حال پولشان را نیاورده اند احتمالا بیایند، صنعت بزرگتر بشود حتی می گویند که احتمالا صنعت بزرگتر بشهود می رود بالا همین یکی از دلایلی که نرخ دارد میرود بالا بخاطر این هست که پول حبس می شود یک نکته ی دیگر هم که حالا اگر شما نظرتان را بفرمایید من خودم جمع بندیم این است که ما یک بازار ثانویه داریم یک بحث امکان خروج از سرمایه گذاری را هم داریم خب دو تا بحث هست ما مثلا شاید با امکان بازخرید یا مثلا یک نهاد مالی بیاید اینجا بازخرید انجام بدهد مثلا یک، این حالتی را بتوانیم ایجاد کنیم با شرایطی حالا باز اگر نظرتان را بفرمایید مثلا بحث خروج از سرمایه گذاری را بگذاریم محل بحث آن موقع باید، چه مدلی مطلوب است؟ و به چه صورت کار پیش می رود؟

عرض کردم اینها ممکن است مطرح کنند بحث خروج از سرمایه گذاری را، اما واقعیت امر این است که خب شما این را آمده اید بلند مدتش هم قرار داده اید گفته اید که بله مثلا من طرحم را کردم این امر ممکن هست تو طرح یک ساله هم بگویند همچین چیزی همه هست تو طرح شیش ماهه هم بگویند هست اینکه می گویند خب آقا چون ثانویه ندارد پس بنابراین نرخ بالاتری می گیرد خیلی نباید روی آن مثلا مانور داده شود.

# + درست.

چون یک سمت قضییه هست دیگر، حالا همین حرف را بزنید بگویید خب آقا تو سه ماهه هم همین بهانه آورده می شود و اینکه این بحث تمام نمی شود که می گویند خب این هم هست واقعیت هم این است که می گویند آقا کسی باید بیاید و این انتظاری که می گوییم آقا طرح تامین مالی جمعی اتفاق می افتد یکهو باید ده هزار نفر شرکت کنند توی طرح، نه چرا باید باید همچین کاری بکنند بعضی ها برآوردشان این هست که باید همه سریع بیایند در صورتی که بحث تامین مالی جمعی متناسب با شناختی که از مجموعه ایجاد می شود متناسب با آن شناختی که ایجاد می شود می آید و توسعه پیدا می کند خارج از شناخت نیست یعنی نمی توانیم بگوییم آقا شناخت را بگذارد کنار صرفا این یک برگه دارد مورد معامله می شود از آن سمت هم باید نگران این قضیه باشیم که افراد، کسانی که می آیند وارد می شوند وارد های بعدی، کسانی که بعدا می آیند همین مشکل هم برایشان پیش بیاید یعنی یک طرحی که عملا عایدی چندانی نداشته است این طرح را بیاورند و چون چندین دست هم می چرخد برود به سمت اینکه این طرح ها در آن سرمایه گذاری کنند و بازده مورد انتظار را خیلی ببرند بالاتر در صورتی که چنین بازده ای هم ایجاد نشود و از آن طرف خود صنعت مواجه بشود با تعداد قابل ملاحظه ای از شاکیانی که ادعا می کنند که آقا به واسطه ای این که این صرفا قابل معامله شده آمدیم ما ورود پیدا کرده ایم و الان دچار ضرر و زیان شده ایم ما نمی دانستیم ما فکر می کردیم این هم شبیه مثلا سایر اوراق، اتفاقا بهتر است که بحث اینکه شبیه بقیه اوراق بقیه ی سهام بودند برای شان مشتبه نشود چرا باید شبیه این باشد برای چی باید بگوییم که آقا این شبیه همان، نه آقا این شبیه آن نیست و این متفاوت است این کسانی هم که می آیید سرمایه گذاری کنید بیینید می آیید یک برگه ی متتفاوتی هست و با این شرایط دارید ورود پیدا می کنید چون اگه بگوییم نه این هم مثل همان هست خب این هم مثل سهم دارد معامله می شود یکهو می بینینم که یک ورقه ای مثلا که صد تومان بیشتر ارزش ندارد سی صد تومان دویست تومان قیمت می خورد و توی این قیمت خوردن ها خیلی ها ضرر می کنند نفر اولیه خب قطعا وقتی که می خواسته وارد طرح بشود بیشتر رفته نگاه کرده یعنی آن نفر اول را طرف سخت تر توانسته است جذب این تامین مالی کند بنابراین آن برسی هایش بیشتر هست اما نفر بعدی که می آید دیگر نسبت به آن اعلامیه ریسک و دیگر به آن طرحی که ارسال می شود به آنها توجه نمی کند.

# **+ مثلا می گویند چون اینها عمدتا دیگر مبتنی بر بدهی است می گویند خب با این نرخ مشخصی اینها قابل خرید و فروش می شود یعنی همه آن مبتنی بر بدهی نیست که حتی همانی هم که مثلا مبتنی بر بدهی هست واقعا چون همه آن هم بحث بدهی نیست اینها آمده اند گفته اند ما این قدر هم ما مثلا انتظار داریم که تضمین می کنیم سودش را که من تضمین می کنم که می خواهد باشد غیر از این هست، این را گفتند دیگر**.

بله.

# + حالا یک عده مثلا می آیند می گویند این مثلا طرح خرید فلان دستگاه پزشکی هست این دستگاه را ما خریده ایم مثلا صد تومان الان چون ما توانسته ایم مثلا مجوز هایش هم دریافت کنیم فلان کنیم یک هویی می خواهد این بشود پانصد تومان در صورتی که برای آن صد تومان مثلا بیست و پنج تومان تضمین گذاشته شده است.

خب اشکالی ندارد نفر اول اصلا همه ی سودها بیاید دست نفر اول که آمده است خریداری کرده.

# + درست.

چرا بگذاریم نفر بعدی هم که معلوم نیست شاید واقعا نفر دوم هم بگیرد قسمتی از پول را شریک شود خب واقعا هم آن پول منجرو به کاهش نرخ تامین مالی بشود از منظر نرخ، خب انتظار می رود نرخی که توی همین طرح تامین مالی جمعی ها انجام می شود خب نرخ بالاتر باشد چرا نرخ بالاتر باشد؟ خب اولا که اوراق استاندارد نیست مبتنی بر اعتماد است مجوزی بابت تک تک برگه ها از طرف سازمان داده نشده است یک چیز طبیعی قضییه هست این چیزی نیست که بگوییم خب حالا، منتها از آن سمت قضییه هم هست که می تواند خیلی چالاک عمل کند اوراقی که اگر می خواست باید سازمان ثبت بشود مدت زمان قابل ملاحظه ای می برد اینها سریع تر می آید می رود روی سکو می توانند آن را تامین مالی کنند.

# + الان شما که صحبت می کردید می گفتند که حالا صحبت هایی هست که چند ماهه با شرکت سپرده گذاری صورت گرفته که یک بازار متوسط ثانویه ی متمرکزی ایجاد بشود یک همچین خبری را داده اند شما در جریان هستید؟

چه بشود؟

# + یک بازار ثانویه متمرکز قراراست ایجاد بشود با شکل،بله می گفتم چند ماهی هست که با شرکت سپرده گذاری تعامل می کنند چون قرار است یک بازار متمرکز ایجاد بشود آن طرف باید بیاید پای کار که بتوانیم بازار را راه بی اندازیم همچین چیزی هست الان توی دستور هست؟ دارد پیش می رود؟ یا در جریان نیستید چه جوری هست؟ یا خلاف این است؟

من راجب این امر اطلاعی ندارم.

# + اوکی در این صورت. راجب حالا، بحثی که راجب نهاد مالی فرمودید هر دو طرف قضییه مزیت ها و پروسه ی عیب هایش را گفتید خودتان پیشنهاد مشخص تان را متوجه نشدم الان مدل فعلی را می پسندید یعنی همین ؟

یعنی اگر همین مدل فعلی درست اجرا بشود بله از نظر من بهتر است.

# + درسته. درست اجرا بشود یعنی چه؟

نظارت نهاد مالی روی قضییه وجود داشته باشد، نهاد مالی خودش را خب پا پس نکشد فکر نکند که صرفا یک اجاره بگیری هست.

# + روی طرح ها باید نهاد مالی ورود پیدا کند؟

نهاد مالی ورودی که دارد می کند خب خود دستورالعمل خودش نحوه ی ورودش مشخص است که می آید طرح را مورد برسی قرار می دهد نه اینکه طرح را بگیرد (نه) برسی اش از نوع برسی ثانویه هست یعنی اینکه طرح های اولیه آمده ،چارچوب هایش را دارد می بیند، ریسک هایی که وجود دارد را دارد بر اساس آن ریسک هایی که اعلام شده است دارد توسط همان سکو دارد می خواند، مطالعه می کند و نظرش را می دهد.

# + یک مسئله ای که ما داریم بحث همین نظارت چندگانه هست ما الان یک بحثی داریم ارزیابی طرح حالا ارزیابی طرح عملا وقتی در کنار ضمانت می آید مطرح می شود یک جورایی یک بار سکو می آید یک نظارت اولیه، یک برسی می کند بعد که این برسی اولیه شد می گوید برو ضمانت بیاور خب کسی هم که ضمانت صادر می کند طبیعتا یک برسی اولیه می کند دیگر بعد که ضمانت صادر شد عملا برسی های بعدی که دو مرحله دیگر برسی داریم یکی نهاد مالی می آید برسی می کند یکی هم خود کار گروه مجوز، بالاخره می دهد تا ضمانته می آید پای کار.

نه نه کارگروه که دانه به دانه ی این چیزها را که نمی دهد.

# + بله.

طرح ها را که نمی دهد دانه به دانه اش بگوید که این الان می توانیم اصلا همچین چیزی ورودی نمی کند.

# + بله. بگوید توانش را ندارد.

نه توانش را دارد و نه درست است اصلا چون فردا ممکن هست ادعا بشود که شما اگر اجازه می دادید ما فلان طرح را اجرا می کردیم اینقدر سود نصیب هم همه می شد یا فردا روز یکی بگوید که آقا این طرحی که شکست خوردیم این طرحی بود که خود کمیته هم ورود کرده بود، چرا پس شکست خورد؟ یعنی آدم هایی که تو کمیته هستند آدمای صلاحیت داری نیستن؟ اصلا با بحث صلاحیت اینا موضوعیت ندارد این فعالیت اقتصادی هست تو شرایط مولفه های اقتصادی دارد انجام می شود احتمال بردش هم وجود دارد احتمال باختش هم همین طور هست.

# + بله. سوال مشخصم این است که این ارزیابی به نظر شما بالاخره کجا باید صورت بگیرد؟ گفتم چهار جا معلوم می شود خود سرمایه، کسی که ضمانت می دهد، نهاد مالی و در نهایت کار گروه.

ببینید شما اولا که خود سکو باید ارزیابی ها را انجام دهد پروتکل مشخصی برای ارزیابی طرح ها داشته باشد.

# + بله.

بحث اینکه ضمانت به واسطه ی صدور ضمانت یکپارچه ارزیابی می شود اصلا ما نباید بگوییم به این کاری داشته باشیم به ضمانت کاری نداشته باشیم چون یک چیز فرعی هست که می تواند باشد می تواند نباشد اما آن چیزی که خدمت تان عرض کنم کلیات قضییه هست این است که حتما باید خود سکو نظارتش را داشته باشد مشخص کند فلان کند علاوه بر سکو آن نهاد مالی هم که دارد اجازه می دهد آن طرح اجرا بشود آن هم باید نظرش را بدهد ارزیابی مناسبش را داشته باشد این دو مورد.

# + که الان عملا نمی شود دیگر.

اینکه نمی شود الان شاید کم کاری آن نهاد مالی ای هست یا اینکه تعامل درستی شاید با هم دیگر ندارند.

# + این یک مقدارش هم بر می گردد به آن نکته ای که همان اول خودتان فرمودید بحث اینکه مثلا نهاد های مالی حالا به فرض اینکه طرح بازده هم داشته باشد مثلا الویت آخرشان بشود طرح تامین مالی جمعی یا اگر هم مثلا.

نمی تواند اصلا نیرو تخصیص دهد برای این کار.

# + اصلا این کار را نمی کند همان اجاره فرمالیته می شود رسما این ساز و کار تقریبا این را دامن زده نگاه بکنیم همین شده است انگیزه ای ندارند، نرخ ها شان که برایشان جذاب نیست، دیگهرمثلا باید صد تا طرح را بکنند.

حالا یک نکته ای هم هست بحث همان کارمزده هست کارمزد طرح نهاد مالی اش هم باید افزایش پیدا کند که عملا حضورش را بتواند توش.

# + حالا عملا چهار درصد کل کارمزدی که از طرح گرفته می شود از این هم یک بخشش هم حتما نهاد مالی می دهند طبیعتا و یعنی چهار درصده بیشتر بشود؟

ببینید این که چهار درصده بیشتر شود یا اینکه کم تر بشود می توانیم هم بحث چهار درصد بیشتر شدن را کلی در نظر بگیریم شما مثلا بخواهد تا ده درصد بشود مثال عرض می کنم اما در قبال آن امر که می گوید تا ده درصد بشود این طرف قضییه نهاد مالی هم باید کارمزد مناسبی بگیرد شما نمی توانید که مثلا به نهاد مالی بگویید کلا نمی دانم. الان چقدر شد هفتاد تومان شد کارمزد نهاد مالی، چقدر شد بر اساس، چون یک اصلاحیه داشته اند بر اساس آخرین اصلاحیه بعد بخواهید انتظار داشته باشید که فردا روز بگوید خب اصلا چارچوب درآمدی هم که برای من تعریف شده بود توی این طرح اصلا با هم دیگر نمی خواند از اول هم معلوم بود من نمی توانم درست نظارت داشته باشم خب یک نکته ی دیگه هم هست خب یک بحث دیگر باید ببینیم، در عرضه می گویند آن بحث عرضه و تقاضا هست که احتمال می دهد نرخ مناسب را برای آن تامین مالی شکل بدهد آنها باید افشا بشود دیگر آقا افشا بشود که این دارد نهاد مالی باید برایش سقف تعیین بشود؟ بله سقف باید تعیین بشود اما اینکه سقف مثلا چهار باشد، پنج باشد، شش باشد، این چیزی هست که باید بر اساس نظراتی که حرف ها یا نهاد مالی را هم می شنوید آن تصمیم گیری بشود نسبت به آن.

# + درست چون الان یک سقف غیر از چهار درصد یک سقف مبلغی هم گذاشته اند.

بله.

# + حالا برای صد ملیون یعنی دیگر عملا پروژه با هشت ملیارد، هشت نه ملیارد دیگر عایدی مازادی ندارد برای سکو اینها خودش یک محدودیتی است. یک سوال دیگری که من داشتم کارگروه ارزیابی به نظر شما متولی اصلی آن چه کسی باید باشد؟ نقش سازمان نباید اینجا شفاف تر باشد؟ یا همین ساختار فعلی فرابورس باید ادامه پیدا کند کارگروه ارزیابی یا ایده ی دیگری دارید برای آن؟

ببینید ما مجموعه هایی که در خواست های مجوز دارند در حال حاضر هم خب همه خودشان را زیر حق می دانند که می توانند آن مجوز مربوطه را بگیرند و توی کمترین مدت زمان مجوزشان داده بشود یک واقعیتی هم باید ما باید در جریانش باشیم که آقا مجوز نهاد مالی و یا مجوزی که شما می دهید به واسطه ی آن یک نفر این اجازه را پیدا می کند که آن منابع را از آن طرح تامین کند و یا بگیرد مثل مجوز یک سوپری، مثل مجوز مثلا یک مغازه معمولی نیست آن مغازه کار مربوط به خودش را فعالیت می کند خودش با پول خودش می آید جنس را می خرد آن فروشنده هم یا به آن اعتماد می کند، نسیه می دهد یا نمی دهد. نهایتا اگر ورشکست هم بشود همه می گویند خب آمد کار کرد نکرد اما مجوز هایی که شما ببینید که منجرو به این می شود که یک نفر اختیار این را پیدا می کند که پول را از از مردم جمع کند منابع را جمع می کند این خیلی حساسیت دارد به این راحتی نیست که بگوییم آقا همین مجوز به این شکل به آن داده شود از طرف دیگر هم صدور مجوز برای این موارد مربوط به تامین مالی جمعی با نهاد های مالی هم یک خورده متفاوت است که قرار شده است که بگوییم سخت گیری که نسبت به، یا حداقل بگوییم الزاماتی که برای نهاد مالی داریم خیلی نمی خواهیم راجب آن مجوز های مربوط به تامین مالی جمعی داشته باشیم شما در جریان هستید که در ارتباط با صدور مجوز برای نهاد های مالی موسسین آن چک می شوند از بابت نحوه ی تامین مالی که شده اند سرمایه را از کجا دارند می آورند اینکه هیئت مدیره ای که داشته باشد حداقل امتیازاتی را داشته باشد، چه قدر صلاحیت حرفه ای چه صلاحیت تحصیلی و تجربی خب اینقدر روی شان تاکید می کنند تا بتوانند شکل بگیرند و پیش برود به نظر من فعلا مدل موجود مدل مناسبی هست که توسط یک کار گروهی که خارج از سازمان هست اما سازمان در آن نماینده دارد و تصمیمات بر اساس این انجام می شود که حداقل باید با موافقت نماینده ی سازمان تصمیمی که باشد با حداکثر موافقش نماینده سازمان هست باید صورت بگیرد به نظر آن در دغدغه ی سازمان در حال حاظر تامین می شود و اینکه بخواهید این مجوز را منتقل کنید به سازمان صرفا باعث این می شود که آن مجموعه هایی که از سازمان انتظار تسریع دارند توی، به عنوان همواره مدعی قرار بگیرند و سازمان تحت فشار بیشتری قرار بگیرد به نظر من مدل فعلی مناسب است.

# + سوال دیگری اینکه حالا ما جلساتی داشتیم می شنیدیم یک نکته ی دیگه ای که داشتم حالا شما هم فرمودید این بود که دعاوی حقوقی ما مثلا مرجع مشخصی ما نداریم مثلا ما یک سکو می خواهیم نظارت کند با سکوهای خودش ایجاد کند مثلا می بینیم سر پروژه مثلا شاید نگهبانی راه مان ندهد سر پروژه بگوید شما کی هستید اینجا چیکاره اید ما توی قرارداد شاید خوب تعیین نکرده ایم بعد مثلا می گویند ما ترمیم ماده شاید بخواهیم انجام بدهیم توی آن هم جالش ما این هست که عملا بگوییم پول را متناسب با پروژه برویم جلو ولی شرکت می گوید نه تو ترمیم ماده چند مرحله ای ما پول اولیه بیاید دستمان چون سود پروژه بالا برود بتوانیم مواد اولیه را همان اول بخریم و سود پروژه را بالا ببریم این هم که خب چالش های خودش را دارد حالا به نظر شما برای اینکه این نهاده در واقع (پلتفرمه) بتواند خوب نظارت بکند چه راهکاری هست برای اینکه بتوانیم به آن یک سری ابزار بدهیم مثلا همین طرح ترمیم ماده چند مرحله باشد یا اگر همین دعاوی حقوقی دارند یک کمیته ای تشکیل بشود برای این کار چه پیشنهادی دارید برای این موضوع؟

ببینید اینکه آدم های مشکل دار، آدم های را پیدا می کنند این یک اصل کلی هست اگر آن طرح آن سرمایه طرح مالی به قدر کافی توانمند باشد و قدرت مانور خوبی هم داشته باشد، پشتوانه ی تجربی و علمی خوبی هم داشته باشد قطعا وارد طرح هایی که مسئله دار هست نمی شود از همان اول سنگ هایش را وا می کند مشخص کند که آقا من می خواهم بروم پروژه را ببینم به من این اجازه داده نمی شود ناشی از از این است که از همان روز اول شما یک چیز در بسته ای را به توافق رسیده اید پول را دادید رفت و دیگر هیچ کاری نمی شود کرد اینها یک چیزهای داخلی هست حالا اگر بخواهیم مخصوصا ورود به سازمان، اینها ضروری نیست این امر خودت باید آن سکو باید حواسش باشد و بسته به آن نحوه ی تعاملی که دارید باشرکتی که دارد انجام می دهد .

# + به نظر شما برای استاندارد اولیه نباید اصلا باشد خودشان باید واگذار بشود، آقای دکتر من یکی از صحبت هاتون فرمودید که مرحله بندی برای عملیات شروع اتفاق می افتد حالا من این را این طوری برداشت کرده ام ما توی جلساتی که با خبرگان تعامل داشتیم آنها را بحث رتبه بندی برخی شان مطرح کردند رتبه بندی طرح ها و رتبه بندی سکوها که این ها بیایند مرحله به مرحله وارد اسکریل های بزرگتر بشوند وقتی به این فکر می کنم اگر از صحبت های شما درست متوجه شده باشم وقتی به این مسئله فکر می کردم شاید این اتفاق بیافتد که توی این رتبه بندی ها بازار دست آن کسانی بیافتد که زودتر وارد شده اند رشد کرده اند و انحصار اتفاق بیفتد و اگر کسی دوباره آمد وارد این بازار شد سخت هست بتواند رقابت کند و این فضای رقابتی اگر از بین برود دوباره خب نرخ ها بالاتر می رود آیا درست هست این نظر یا نه؟

شما وقتی که دارید رتبه بندی می کنید می خواهید بکنید برای رتبه بندی اگر می خواهید، یا رتبه بندی می کنند اینها را یا رنک می کنند یا رینک به آنها می دهند این موارد عرضم به حضور جناب عالی که بستگی به این دارد که با چه مدلی شما این را می خواهید رده بندی کنید توی خود ماده امتیازات هست ممکن است طرح های زیادی داشت باشد از آن طرف هم طرح های شکست زیادی هم داشته باشد آن شکست هایی که وجود داشته است وزن می دهد و با وزنی که می دهد آن شکست های زیاد، آن تهدید می کند آن تعداد طرح های بیشترش را امتیازش را پایین می آورد از آن طرف دیگر ممکن است که آن مجموعه ای که تعداد طرح هایش کم بوده باشد تعداد شکست خورده اصلا نداشته باشد خب این هم به واسطه ای این که تعداد طرح هایش کمتر هست امتیازش می آید پایین، ترغیب می شود آیا یک مجموعه خب تازه آمده اما ممکن است از پشتوانه ی بر اساس وزن دهی ای که شما دارید مثلا می گویید وزن اعضای هیئت مدیره ی شان سرمایه شان چقدر است مثلا لول مالی شان چقدر است این موارد یک چیز دیگر را پوشش می دهد اگر اینکه قرار برویم بگوییم سمت اینکه این ها را رتبه بندی کنیم یک جایی بخواهیم رتبه بندی بکنیم حالا در ارتباط با آن ریسکی که گفتم بابت حداقل آن ریسکی که دارد اینها همه در چارچوب این هستند که مثلا برای نهاد مالی مهم است رفته است نهاد مالی برای خودش یک چارچوبی را تعیین کرده چارچوبی ریسک می آید یک مدارک و مستنداتی را پر می کند و درجه ی ریسک پذیری آن شرکت را معلوم می کند که خب حالا این شرکت اینقدر ریسک دارد این طرح اینقدر ریسک دارد ریسکش پایین است یا بالا هست اطلاع رسانی مناسب را هم انجام می دهد خیلی از موارد اما هم می توان در قالب ارائه ی توصیه های از طرف چه کارگروه چه از طرف سازمان به عنوان مجموعه ای که دنبالش هست صورت بگیرد اما اینکه بخواهیم حالت الزام به آن بدهیم هر چیزی هم که شما می خواهید حالت الزام به آن بدهید اول بروید سمت حالت توصیه بعد از اینکه توصیه را یک سری انجام دادند و از این نظر دیدید که اوکی هست آن موقع ببرید سمت الزام بگویید آقا اینها چه الزامی داشته باشند طرحی که با این رقم می خواهد منتشر بشود این طرح حتما باید فلان مراحل را هم انجام داده باشد چون یک زمان ممکن است شما بخواهید بگویید که من می خواهم مقرره ای نگذارم که همه ی طرح ها را شامل بشود آن بله آن طرح هایی که این رقم را می خواهد پر کند حداقل این رقم هست باید این الزام را داشته باشد این طوری اطمینانی هم حاصل می شود که برسی بیشتر صورت بگیرد اما حواسمان هم باید راجب به آن چالاکی هم باشد که این فراموش نشود که دیگر بالاخره هدف از راه اندازی طرح مالی جمعی این است که با با سرعت منابع مالی را تامین بشود.

# + درست ممنون.

و نگران این قضییه هم نباشیم که بعضی ها می گویند که آقا مثلا ما می خواستیم با طرح تامین مالی جمعی یک پالایشگاه بسازیم آقا با پول تامین مالی جمعی یک پالایشگاه هم نمی سازند، شرکت خودرو سازی با آن نمی سازند اینها ابزار های خودش را دارد این ها ابزار معمولا کاربردی است.

# + من یک سوال را بعضی وقت ها اول می پرسم بعضی وقت ها آخر.

امروز آخر می پرسید.

# + عرضم به حضورتان که حالا شما خودتان، یک سوال بازی هست حالا شما اگر در مقام اصلاح دستورالعمل بودید با توجه به حجم نکاتی که گفته شد و افشا دستور العمل را حالا مجموعه ی ابلاغیه ها چون قطعا وقتی دستور العمل اصلاح می شود یک جمع بندی ابلاغیه ها هم عملا موجود می شود تو دستورالعمل ما هم به یک چیز واحدی برسیم از نظر شما الان کجا نیاز به تنظیم گری یا تغییر یا توجه بیشتری دارد که حتما لحاظ بشود؟

در ارتباط با تنظیم گری همیشه این اتفاق می افتد اول مقررات اولیه گذاشته می شود بعد یک مدتی این نهاد توسعه پیدا می کند می گذرد چند وقتی بعد یک سری مشکلاتی می زند بیرون به واسطه ی مشکلاتی که زد بیرون، بیرون می زند باز می آید قانون گذار می رود مقرره می گذارد بعضی مواقع ببینیم این مقرره ای که گذاشتید باعث شده چی این صنعت جلوی رشدش گرفته شد مجدد می آید بحث مقررات زدایی موضوعیت بدهند ما الان باید ببینیم که الان طرح تامین مالی جمعی در کدام مرحله است آیا در مرحله ای هست که نیاز به این داریم که محدودش کنیم یا اینکه نه خیلی محدود شده می خواهیم این را گسترشش بدهیم یا یک جایی یک تهدیداتی پیش آمده خب شما می گویید اینجا فلان مرجع این نظر را می دهد آنجا این نگرانی را دارد اگر این بابه، باید برویم سمت اینکه چارچوب های بیشتری برای شان بگذاریم حالا این چارچوب های بیشتر هم با احتیاط حتما باید باشد که جلوی کار را نگیرد.

# + نظر خود شما کدام مرحله هست؟ یعنی الان کمک کنیم صنعت بزرگ بشود یکم راحتر بریم یا نه؟

ببینید الان شما با تعداد قابل ملاحظه ای هم آن سمت صحبت کرده ایم هم با نهاد های ناظر الان جمع بندی شما چی بوده است الان به این نتیجه رسیده اید که آیا می خواهید این را نیاز از چارچوب های بیشتری برایش قرار داده بشود یا اینکه نه باید برویم به سمت اینکه این نیاز داریم توسعه پیدا کنیم چرا این طور جلوی توسعه اش گرفته شده موانع مربوط به توسعه اش چیست؟ و بحث این هست که موانع توسعه وجود داره یا اینکه می خواهیم این موانع را برداریم یک جواب می گیریم آن طرف هم یک جواب می گیریم.

# + مشکلاتی که الان فکر می کنید قابل توجه است مواردی که تو ذهن تان می رسد؟

هنوز که هنوز هست یک نکاتی هست که طرح های تامین مالی جمعی خیلی فراگیر نشده اند تو عامه مردم قرار نگرفته اند و الان این که تو عامه قرار نگرفته اند یعنی عاما شناختی نسبت به آنها ندارند از این طرف هم سازمان هم نمی تواند مسئولیت تبلیغات کردن برای این ها را بر عهده بگیرد چون همواره آن احتمالاتی که وجود دارد، نتوانند درست کارشان را انجام بدهند و یا حتی به واسطه ی همان خود نفس کسب و کاری که وجود داره کارشان با موانع و مشکلات مواجه بشود به همین خاطر اینها را از سمت سازمان نمی توانیم انتظار داشته باشیم اما می تواند توی جاهای غیر رسمی که صورت می گیرد مثل مثلا بحث نمایشگاهی که هست مجموعه های سازمان به اینها اجازه بیشتری بدهد اجازه ای آن را بدهند که چون اینها خیلی هایشان توان مالی لازم تبلیغات را ندارند، توان مالی لازم برای حضور در نمایشگاه ها را ندارند و حتی بحث این باشد که نمایشگاه های ویژه ای شکل بگیرد یا سازمان هم یک کمکی داشته باشد در آن اصلا کل همین طرح های تامین مالی جمعی ها حضور داشته باشند رویدادهای جمعی خب رویدادی است که تا حالا همیشه تو حاشیه بودند توی متن قرار نگرفته اند خب این هم یک ابزار جدیدی است آن سکوی تامین مالی اگر توانسته باشد اعتبار مناسبی کسب کند طرح هایش مناسب باشه ارائه می شود و می آید مردم هم بتوانند در آنها سرمایه گذاری بکنند متناسب با دوره ای که دارند و از منافع اش استفاده کنند.

# + پس از نظر شما کمک به رشد صنعت هست نمایشگاه، رویداد و ... البته خب مثلا الان این نظرتان را بفرمایید ظاهرا آقای مردای گفتند بحث اجازه ای این که صندوق ها بتوانند یک درصد از منابع شان را بیاورند البته با اجازه ی به شرط اخذ اجازه همه ی سرمایه گذارهایشان بتوانند پول را بیاورند تو طرح تامین مالی جمعی کلا با این مورد تصمیمات موافقید؟ موافق نیستید؟ چه طوری هست؟

ببینید تصمیمی که صورت می گیرد ما به زور نمی توانیم صندوق ها را و خطرش هم هست ببینید یک زمانی ممکن است ما تعارض منافعی وجود دارد یک صندوقی هست یک مدیر صندوقی هست از آن طرف هم نهاد مالی یک طرح تامین مالی جمعی است به خاطر اینکه ما بخواهیم این تامین مالی ها را بزرگ کنیم نیاییم هزینه کنیم از سمت صندق های با درآمد ثابت، صندوق های سهامی این ها این انتخاب باید به صورت آگاهانه باشد و خارج از وضع تعارض منافع، شما یک زمانی باید خودتان نسبت به این امر چسبندگی دارید خودت هم زمان صندوق طرح تامین مالی جمعی دارید می خواهید صندوق تامین مالی جمعی تان را بزرگ کنید از منابع صندوقت می آیی داخلش.

# + این یک آسیب هست؟

بله یک آسیب است به زور شما نمی توانید به خاطر اینکه این توسعه اش بدهید بخواهید به این ها متوسل شوید و بگویید خب از این جا هم منابع می آورم کما اینکه شما یک گزارش از آقای مرادی بگیرید ببینید چقدر از صندوق ها و با چه درصدی توی همین طرح تامین مالی جمعی ورود پیدا کرده اند این می تواند جوابگو باشد من فکر می کنم حداقل یک سال و خورده ای هست که ما مصوبه را داریم که صندوق ها می توانند وجود داشته باشند حالا ببینید چقدر اثر گذار هست اثرش مشهود بوده یا نبوده.

# + چیز اولیه ای که ما داریم صحبت کردیم ظاهرا اتفاق خیلی نیفتاده چیزی که فکر می کنم با خود مشتری هایشان البته توانسته اند وارد تعامل بشوند به صورت حقیقی بیایند سرمایه گذاری بکنیم.

آن مشکلی ندارد طبیعی هست.

# + راجب محدودیتی که برای سرمایه گذران حقیقی با توجه با آنچه گفته شد می پسندید پنج درصد اینها را سرمایه گذاران حقیقی حداکثر بیشتر از پنج درصد نتواند سرمایه گذاری کند یا حقوقی چون محدودیتی ندارد.

ببینید حقیقی که آنجا اگر بحث سرمایه گذار حرفه ای اگر بخواهیم استفاد کنیم.

# + که فکر کنم هم نداریم هنوز درست و حسابی درست است؟ قوانین و؟

سرمایه گذاران را آوردند دیگر اوکی شد.

# + الان چه کسی می شود سرمایه گذار حرفه ای؟

سرمایه گذار حرفه ای که فکر می کنم مقرراتش آمد اگر یک سرمایه گذار حرفه ای باشه مثلا آن را تو گام اول از پنج درصدش مثلا سی درصدش هم بیاوریم. اما بقیه ی سرمایه گذاران حقیقی همان پنج درصد را بیاورند.

# + برای حقوقی هم همچنان محدودیت وجود دارد؟

نه حقوقی که محدودیت، کسی نمی تواند جلویش را بگیرد.

# + بسیار خب دست شما درد نکند.

سلامت باشید.

# + لطف کردید ممنون از شما دکتر.

بزرگوارید.